

مرد است و حرفش!

محمد احمدی فیروزجایی

– آقای عزیز! این راهی که شما می‌روی، سمت یزد نیست‌ها!

– نه جانم! مرد است و حرفش. چون گفتم فقط از این راه، الان هم فقط از همین راه می‌روم.

– آقا! این قدر سیگار نکش. ضرر داره‌ها!
– ای بابا! مرد است و حرفش. وقتی شرط کردم که سیگار بکشم باید بکشم. مرد اگر سرش برود حرفش نمی‌رود.

– آقا! شما چند سال داری؟

– سی سال
– شما که ده سال پیش هم سی سالت بود!
– مرد است و حرفش! حرف مرد همیشه یکیه!

■ در ادامه سخن درباره ضرب‌المثل‌های اشتباهی می‌رسیم به این ضرب‌المثل مشهور که فراوان نقل کوچمه و خیابان است: «مرد است و حرفش! مثل این مثل چند تایی دیگر هم هست؛ مثلاً «مرد اگر سرش برود حرفش نمی‌رود»، «مرد است و قولش»، «حرف مرد یکی است»، «حرف مرد دوتا نمی‌شود» و...

همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم این ضرب‌المثل‌ها دو صورت دارند: از یک‌طرف، کاملاً منطقی هستند و از طرف دیگر کمی تا قسمتی اشتباه و غیرمنطقی. «مرد است و حرفش» هم جز همین دسته قرار می‌گیرد، اما طرف اشتباه و درست این ضرب‌المثل کجاست؟

طرف اشتباه

«مرد است و حرفش» چه می‌گوید؟ می‌گوید اگر کسی حرفی را زد دیگر نباید از آن حرف برگردد، هرچند حرف باطل یا اشتباهی زده باشد؛ یعنی باید تا آخرش برود و پای آن بایستد و حالا دیگر نمی‌دانستم و اشتباه کردم و هول شدم و جو گیر شدم و... هم وجود ندارد. به‌قول معروف، آدم یا یک حرف را نمی‌زند یا تا آخرش پای آن می‌ایستد. این تا آخرش هم دقیقاً تا آخرش را شامل می‌شود! و فقط نامردها هستند که حرفشان دوتا می‌شود و الا مرد اگر مرد باشد



سرش را هم پای حرفش می‌دهد. «مرغ فقط یک پا دارد و بس». یک کلام ختم کلام!

البته نه این که این جا مرد بودن مهم باشد و این ضرب‌المثل درباره زن‌ها نباشد، بلکه در این جا منظور انسان است که نباید حرفش را پس بگیرد.

طرف درست

سمت درست ضرب‌المثل هم این جاست که آدم باید مواظب صحبت و کلامش باشد. باید دقت داشته باشد چه می‌گوید؛ چرا که تا یک حرف در دهان است، در اختیار آدم است اما وقتی که بیرون آمد آن وقت دیگر خیلی سخت می‌شود درستش کرد. خیلی از سوءتفاهم‌ها سر حرف‌هایی پیش می‌آید که می‌توانست بیان نشود؛ به همین راحتی. این جاست که می‌گویند: هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد!

می‌شود گفت این ضرب‌المثل، پایبندی به قول و قرار را هم یادمان می‌اندازد و این که آدم وقتی قراری گذاشت و قولی داد باید تمام سعی‌اش را به کار ببندد تا آن را انجام بدهد؛ چون اگر هر کسی نسبت به وعده‌ای که می‌دهد بی‌خیال و بی‌توجه باشد، آن وقت هیچ کس نمی‌تواند به کسی اعتماد کند.

مرد کسی است که یک‌دنده باشد!

اما برداشت غلط و اشتباه از این ضرب‌المثل، وقتی است که طرف فکر کند باید سر هر حرفی که زده بایستد؛ هر چند که آن حرف اشتباه هم باشد! طبیعی است که نتیجه این ایستادگی هم می‌شود لج‌بازی و این که حرف کسی غیر از خودش را قبول ندارد و حاضر است به جای مکه

به ترکستان برسد و قبول نکند این راهی که می‌رود، اشتباه است!

هم‌چنین همین سماجت و یک‌دندگی است که به‌مرور زمان، حالت کینه را به خود می‌گیرد. شاید شنیده باشید که گاهی یک حرف غلط و یک تصمیم نادرست باعث شده که سال‌ها بین دو یا چند خانواده سوءتفاهم باشد و کسی هم نتواند این کلاف سردرگم را باز کند. گاهی همین لجاجت‌ها هست که زندگی را برای خود فرد و اطرافیانش تیره‌وتر می‌کند. این موقع‌ها یک نفر باید محکم جلوی این یک‌دندگی‌ها بایستد و به‌قول معروف ترمز دستی طرف را بکشد!

مرد کسی است که حرفش دو تا بشود!

برخی از بزرگان در مقابل این ضرب‌المثل گفته‌اند: اتفاقاً مرد کسی است که گاهی حرفش دو تا بشود! البته نه به این معنا که حرف مرد مرتب عوض بشود، بلکه به این معناست که مرد کسی است که بر حرف غلطش اصرار نداشته باشد و وقتی دید که حرفش نادرست است و نظرات بقیه صحیح، حرف خودش را رها کند. مرد کسی است که سمت حق باشد، هر چند برخلاف نظر قلبی‌اش. چنین آدمی آن وقت شیرینی گذشت را می‌چشد و می‌بیند یک‌دندگی هیچ لذتی ندارد! اگر هم کسی بپرسد که مگر حرف مرد دو تا می‌شود؟ با خیال راحت می‌گوید: چرا نمی‌شود؟ خوب هم دو تا می‌شود! بلکه حرف مرد می‌تواند چهار تا هم بشود!

جایی که حرف مرد یکی نشد!

اگر به تاریخ نگاهی بیندازیم، موارد بسیاری را

می‌بینیم که یک نفر سر حرفش نماند و توانست هم خودش و هم دیگران را نجات بدهد. مثلاً: در جنگ اُحد که مسلمانان شکست خوردند، مشرکان بعد از کشتن حمزه عموی حضرت پیامبر(ص) جنازه ایشان را تکه‌تکه کردند. پیامبر که از این واقعه دل‌خراش، سخت ناراحت شدند، تصمیم گرفتند هروقت بر مشرکان پیروز شدند، مثل این کار را با آن‌ها انجام دهند. در این حال آیه ۱۲۶ سوره نحل نازل شد و خداوند خطاب به پیامبر(ص) فرمود «اگر عقوبت می‌کنید، چنان عقوبت کنید که شما را عقوبت کرده‌اند و اگر صبر کنید، صابران را صبر، نیکوتر است.» که این آیه باعث شد حضرت پیامبر(ص) نه تنها از نظرش برگردد که حتی «وحشی» قاتل عمویشان حضرت حمزه را هم ببخشند.

«حر بن یزید ریاحی» را هم که همه می‌شناسیم؛ همان کسی که راه را بر امام حسین(ع) بست و تا صبح روز عاشورا هم در لشکر عمر سعد بود. هر کسی بود که خیلی راحت می‌توانست بگوید مرد است و حرفش، و من سر حرفی که زده‌ام تا پای جان می‌ایستم. می‌دانید که حر در کوفه برای خودش کسی بود و به‌قول معروف سری توی سرها داشت اما با این حال سر بزن‌گاه و موقع مناسب، تصمیم درست خودش را گرفت و مردانه به‌جای این که از جنگ فرار کند به نزد امام آمد و توبه نمود و اسمش را هم در تاریخ به‌عنوان یک جوانمرد ثبت کرد. به نظر شما اگر حر کاری غیر از این انجام می‌داد، الان در تاریخ با چه عنوانی از او یاد می‌شد؟